

کتاب الاعتکاف

چرا ملحق به کتاب صوم کرده

- اعتکافی بدون صوم نداریم
- روزه شرط اعتکاف است
- کتاب الصوم اولاً و بالذات در مورد ماه رمضان بحث می کند و اینجا هم استحباب موکد اعتکاف در ماه رمضان
- استحباب موکد در این ماه دارد
- کم بودن مباحث این کتاب

اعتکاف مستحب است و استحباب موکدش در دهه آخر ماه رمضان است

- به خاطر سنت نبوی که مواظبت بر اعتکاف در این دهه داشتند
- همیشه آقا رسول اکرم می فرمودند که اعتکاف این دهه معادل دو حج و دو عمره مقبول است

جاهایی که اعتکاف واجب می شود

- نذر و شبه نذر مثل عهد و یمین
 - اگر مطلق نذر شود سه روز منظور است
 - یا باید مقید به سه یا مضرب آن شود
 - به غیر از سه و مضربی از آن نذر بکند باطل است
- نیابت از پدر اگر واجب باشد
 - فرض مسئله در جایی است که
 - پدر از دنیا رفته است
 - مبنای ما هم این باشد که هر واجب پدر بر دوش پسر می افتد
 - اعتکاف واجبی بر دوش پدر بوده است مثلاً نذر کرده بوده
- اجیر برای اعتکاف بشود
 - به دلیل وجوب وفا به عقد اجاره

اگر مقدار التزام از سه روز کمتر باشد؛ یا باید مثلاً اگر اجیر باشد بگوید که دو روز کافی نیست و اگر رفت باید یک روز را از طرف خودش برود

اینجا اطلاق وجود ندارد و اندازه باید از اول معلوم باشد

چه آن دوروز قبلی مستحب باشد و چه واجب

به خاطر وجود اخبار متعدد و وسائل ج ۱۰ ص ۵۴۳

روز سوم اعتکاف اگر دو روز معتکف باشد و مضرب های سه اگر روز قبلشان معتکف باشد

نظر دیگر: شیخ طوسی

ایشان قائل است که لا تبطلوا اعمالکم شامل اینجا هم می شود و به علت بودن نهی باطل کردن عمل اشکال دارد

اعتکاف از روز اول واجب می شود؛ یعنی همین که شروع کرد وجوب می آید

اصل اعتکاف مستحب است ولی اگر شروع کردی واجب می شود

نظر دیگر

فقط روز سوم واجب است و مضرب های سه واجب نیست

نظر شهید در دروس

البته اینکه روزه شش و ... واجب نیست فقط در مندوبات است و اگر نذر کرده شش و ... هم واجب است

نظر دیگر

روز اول و دوم حکم دارند مستحب هستند؛ روز سوم واجب است زیرا اقل اعتکاف سه روز است و سه متمم اعتکاف مشروع است به همین مبنا شش و مضرب های دیگر سه

ولی اگر اعتکاف؛ اعتکاف واجب بود فقط یک واحد واجب وجود دارد و همان درست است هر چند که ۵ روز باشد

به این دلیل شهید گفته علی الاشهر که روایت های مورد استناد قوی نیستند

به همین دلیل جمعی گفتند که حتی روز سوم هم مستحب است

شروط صحت اعتکاف

- شرط کردن و عدم شرط کردن
- خروج در هنگام نیت

چیزهایی که بر معتکف حرام است و اعتکاف را باطل می کند

کفاره در اعتکاف



کتاب الاعتکاف

چرا ملحق به کتاب صوم کرده

اعتکاف مستحب است و استحباب موکدش در دهه آخر ماه رمضان است

جاهایی که اعتکاف واجب می شود

شروط صحت اعتکاف



معارض باید پایین تر از اضطرار باشد

مستحب است که معتكف از ابتدای اعتکاف شرط بگذارد که اگر مشکل و معارضی پیش آمد بتواند از اعتکاف خارج بشود کما اینکه در احرام حج هم داریم

نظر شهید ثانی

نظر شهید در ترویج

توکل اعتکاف مطلقا جایز است؛ چه عارض پیش بیاید و چه نیاید و چه نیت بکند و چه نکند؛ حتی روز سوم

یا به این شباهت که محرم می تواند شرط بکند و به شرطی که عارض پیش نیاید ترک بکند

یا به این شباهت که شباهت در اصل اشتراط باشد نه در کیفیت آن؛ یعنی مثلا در محرم فقط عارض پیش بیاید ولی اینجا حتی بدون عارض هم می تواند

تشبیه به محرم

در واجب هم می شود شرط کرد فقط در نذر و آنچه در زمان نذر باید شرط بکند

البته اگر شرط کرد و عارضی پیش آمد و خارج شد کلا باطل می شود و باید بعدا دوباره اعاده بکند

شرط کردن و عدم شرط کردن خروج در هنگام نیت

چه مندوب باشد

شهادت اول؛ مطلقا قضا ندارد

چه واجب معین باشد

مثلا شخص نذر می کند سه روز اول فلان ماه را معتکف شود

چه واجب مطلق باشد

مندوب قضا ندارد

واجب معین هم قضا ندارد

اگر شرط کرد و خارج شد

شهادت ثانی

چرا شهید ثانی گفته قضا کماهی وقت ها توانی که می گوید مطلقا نظر شهید اول است و کماهی مطلقا نظر خودش است

در درس توقف کرده و گفته فی وجوب اقتضا نظر بیشتر به ذهن می آید که قضا ندارد ولی در خیلی از نسخه ها وجوب اقتضا نیامده و فقط و قیة نظر آمده

محقق در کتاب شرایع گفته قضا دارد

ملا نذر می کند یک سه روزی بروم اعتکاف

در روز سوم روزه مستحبی که واجب می شود اجازه خروج ندارد و واجب است روز را تمام بکند و همچنین روزهای ششم و نهم و غیره یک روز قبلشان

مهموم گیری اینجا این می شود که اگر خارج بشود قضا دارد

اگر شرط نکند و خارج بشود

اگر روز سوم مریض شد و نتوانست روزه بگیرد چون اضطرار است و چیزی بر دوشش نیست؛ پس فرض ایستادن امکان ایستادن است

چیزهایی که بر معتکف حرام است و اعتکاف را باطل می کند

البته اگر اعتکاف واجب باشد و در اعتکاف مستحب می تواند مرکب شود و از اعتکاف خارج شود

- اکل
شرب
جماع
استمناء
رساندن غیر محسوس به حلق
بغای بر جنابت

هر چیزی که در روز بر صائم حرام است بر معتکف هم حرام است

برگردد به خواب در حالی که جنب بود بعد از دو بار بیدار شدن

در برخی مثل ارضاسی و احتقان روزه معتکف را باطل نمی کند

- جماع
قبلا و دیرا
بوییدن بوی خوش و گلها
لباس
تفویلا
و غیرها مثل نظار
بیع
مراء

یک سر چیزها هم هست که حتی در شب هم بر معتکف حرام است

استمناء حرام است ولی باعث ابطال روزه نمی شود

کفاره در اعتکاف

اگر در اعتکاف واجب یا روزه سوم اعتکاف مستحب بدون دلیل از اعتکاف خارج شود

در شب چون کفاره سوم نیست فقط کفاره اعتکاف دارد

قبلا جماع دو کفاره دارد چه ماه رمضان باشد چه غیر ماه رمضان

یک جاهای دیگر هم دو کفاره داریم ولی به خاطر شکستن روزه نیست؛ بلکه یکی به خاطر شکستن نذر یا عهد و پیمان است و یکی به خاطر شکستن اعتکاف

در درس صوم واجب معین را به ماه رمضان ملحق شده است

اگر اعتکاف

در روز جماع

در ماه رمضان

در شب

در نذر

در روزه مستحبی

روز اول و دوم

روز سوم

کفاره

قضا

گناه

اگر اعتکاف واجب باشد و در شب جماع کند؛ در ماه رمضان و غیر آن یک کفاره واجب می شود

اگر اعتکاف به نذر و شبه آن متعین شود دو کفاره واجب می شود

در روزه مستحبی چیزی بر او نیست

در ماه رمضان یک کفاره واجب می شود

روزه متعین به نذر و شبه آن دو کفاره واجب می شود

گناه کرده

قضا بر او واجب می شود

بعدا یک سه روز اعتکاف بگیرد

کفاره ندارد

شب که سوم وجود ندارد که بخواهد کفاره واجب شود

بو کردن عطر و گل

بیع

گناه کرده ولی کفاره ندارد

مراء

استمناء به نساء

در واجب معین به نذر و شبه آن فقط کفاره شکستن نذر بر عهده اش می آید

گناه کرده

بدون اضطرار قضا بر او واجب می شود

بعدا یک سه روز اعتکاف بگیرد

کفاره ندارد

با اضطرار چیزی بر او نیست

این مشهورتر است

مثل کفاره ماه رمضان

خصال

ثلاثة

مخیره

انعام ۶۰ فقیر

همان کفاره ماه رمضان ولی بر تنه است و مخیره نیست

کفاره طهارت

روایت این قول صحیح تر است

در تعارض بین شهرت و صحت روایت شهرت را مقدم می کنند

کفاره چه باشد؟

معتکف را معتکفه را وادار به جماع بکند

اگر در شب در ماه رمضان و اعتکاف بر هر دو واجب شده باشد

اگر در شب در ماه رمضان و اعتکاف بر هر دو واجب شده باشد

یکی برای اعتکاف خودش

یکی برای اعتکاف زنش

علی الاقوی

دو تا به خاطر خودش

چهار کفاره بدهد

دو تا برای زنش

اگر اعتکاف بر زن واجب نشده باشد

دو کفاره خودش را دارد

شهادت در درس می گوید به جز صاحب معتبر یعنی محقق اول کسی مخالف این حکم ندیدم

علامه حلی می گوید که هیچ مخالفی ندارد

علی الاقوی که گفته شد به ذهن می آید که از روایات فهمیده شده است؛ ولی این توضیح که از درس آورده شده برای معنا کردن علی الاقوی باشد

این عباراتی است که دال بر جماعت است

به نسبت با شهید اول که اجماع محصل است قطعا حجت است

در این حالت اصل بر آنست که ما که اجماع متقول است حجت نیست

براهت جاری می شود شک می کند که تکلیف زن بر مرد آمده یا نه؛ براهت جاری می کنیم و چیزی بر عهده او غیر از کفاره خودش نمی آید

سه کفاره دارد دو یکی هم اینکه روزه زن را باطل کرده که قبلا در ماه رمضان محض آمده است